

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۵۷

آیه ۱۹۶ - ۱۹۷

آیه و ترجمه

۱۹۶ - لا یغرنک تقلب الذین کفروا فی البلد

۱۹۷ - متع قليل ثم ماوئهم جهنم و بئس المهاد

ترجمه :

۱۹۶ - رفت و آمد (پیروزمندانه) کافران در شهرها تو را نفریبدا!

۱۹۷ - این متاع ناچیزی است، و سپس جایگاهشان دوزخ، و چه بدجایگاهی است!؟

شان نزول :

بسیاری از مشرکان مکه تجار پیشه بودند، و از این راه ثروت قابل ملاحظه‌ای به دست می‌آوردند، و در ناز و نعمت به سر می‌بردند، و نیز یهودیان مدینه در تجارت مهارت داشتند، و از سفرهای تجاری خود غالباً بادت پر باز می‌گشتند، در حالی که مسلمانان در آن زمان به خاطر شرائط خاص زندگی و از جمله مسأله مهاجرت از مکه به مدینه و محاصره اقتصادی از ناحیه دشمنان نیرومند، از نظر وضع مادی بسیار در زحمت بودند، و به عسرت زندگی می‌کردند، مقایسه این دو حالت این سؤال را برای بعضی طرح کرده بود که چرا افراد بی ایمان این چنین

در ناز و نعمتند، اما افراد با ایمان در رنج و عذاب، و فقر و پریشانی زندگی می‌کنند؟ آیات فوق نازل شد و به این سؤال پاسخ گفت.

تفسیر :

یک سؤال ناراحت کننده

سؤال‌ای که در شان نزول بالا برای جمعی از مسلمانان عصر پیامبر، مطرح بود یک سؤال عمومی و همگانی برای بسیاری از مردم در هر عصر و زمان است،

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۵۸

آنها غالباً زندگی مرفه و پر ناز و نعمت گردنکشان و طغیانگران و فراعنه و افراد بیسبند و بار را، با زندگی پر مشقت جمعی از افراد با ایمان

مقایسه می کنند و می گویند چرا آنها با آن همه جنایت و آلودگی زندگی مرفه‌ای دارند، و اما اینها با داشتن ایمان و تقوی در سختی به سر می برند و گاهی این موضوع در افراد سست ایمان ایجاد شک و تردید می کند. این سؤال اگر به دقت بررسی شود و عوامل مطلب در دو طرف تجزیه و تحلیل گردد، پاسخهای روشنی دارد، که آیه فوق به بعضی از آنها اشاره کرده است و با دقت و مطالعه، به بعضی دیگر می توانیم دست یابیم. آیه می گوید: «رفت و آمد پیروزمندانه کافران در شهرهای مختلف هرگز تو را نفریبد» (لا یغرنک تقلب الذین کفروا فی البلاد). گرچه مخاطب در آیه شخص پیامبر است ولی روشن است که منظور عموم مسلمانان می باشند. در آیه بعد می فرماید «این پیروزیها و درآمدهای مادی بی قید و شرط، پیروزیهای زودگذر و اندک اند» (متاع قلیل). به دنبال این پیروزیها عواقب شوم و مسئولیتهای آن، دامان آنها را خواهد گرفت و جایگاهشان دوزخ است چه جایگاه بد و آرامگاه نامناسبی. (ثم ما واهم جهنم و بئس المهاد). آیه فوق در حقیقت اشاره به دو نکته می کند: نخست، اینکه بسیاری از پیروزیهای طغیانگران و ستمکاران ابعاد محدودی دارد، همانطور که محرومیتها و ناراحتیهای بسیاری از افراد باایمان نیز محدود است، نمونه زنده این موضوع را در وضع مسلمانان آغاز اسلام و دشمنان آنها می توانیم مشاهده کنیم، حکومت اسلام چون در آن زمان به شکل نهالی نوظهور بود، و از طرف دشمنان نیرومندی که همچون طوفان بر او می تاختند تهدید می شد

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۵۹

بسیار پر و بال بسته بود به خصوص اینکه مهاجرت مسلمانان مکه آنها را که در اقلیت بودند، به کلی از هستی ساقط کرده بود، و این وضع، مخصوص آنها نبود، بلکه تمام طرفداران یک انقلاب بنیادی و روحانی در یک جامعه فاسد، یک دوران محرومیت شدید در پیش خواهند داشت. ولی می دانیم که این وضع زیاد طولانی نشد، حکومت اسلام ریشه‌های محکمی پیدا کرد و شاخه‌های آن نیرومند و قوی شد، سیل ثروت به کشور اسلام سرازیر شد و دشمنان سرسخت که در ناز و نعمت بودند به خاک سیاه نشستند، این

همان چیزی است که با جمله «متاع قليل» در آیه به آن اشاره شده است. دیگر اینکه موفقیت‌های مادی جمعی از افراد بی ایمان بر اثر این است که در جمع‌آوری ثروت هیچ گونه قید و شرطی برای خود قائل نیستند، و از هر طریقی خواه مشروع یا نا مشروع و حتی با مکیدن خون بینوایان برای خود ثروت اندوزی می‌کنند، در حالیکه مؤمنان برای رعایت اصول حق و عدالت محدودیت‌هایی دارند و باید هم داشته باشند، بنابراین نمی‌توان حال این دورا با هم مقایسه کرد، اینها احساس مسئولیت می‌کنند در حالیکه آنها هیچگونه مسئولیتی برای خود احساس نمی‌کنند، و از آنجا که عالم، عالم اختیار و آزادی اراده است، خداوند هر دو دسته را آزاد گذاشته تا سرانجام، هر یک به نتیجه اعمال خود برسند. و این همان است که در آیه فوق به آن اشاره شده: «ثم ماء يهيم جهنم و بئس المهاد».

نقاط ضعف و قوت

یکی دیگر از علل پیشرفت بعضی از افراد بی ایمان و عقب ماندگی جمعی از مؤمنان این است که دسته اول در عین نداشتن ایمان گاهی نقاط قوتی دارند که در پرتو آن پیروزیهای چشمگیری بدست می‌آورند، و دسته دوم در عین داشتن ایمان نقاط ضعفی دارند که همان موجب عقب افتادگی آنان می‌شود. مثلاً: افرادی را می‌شناسیم که در عین بیگانگی از خدا در کارهای زندگی

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۶۰

جدی، مصمم و دارای پشتکار و استقامت و هماهنگی با یکدیگر و آگاهی از وضع زمان هستند.

این افراد، در زندگی مادی مسلماً پیروزیهایی به دست می‌آورند، و در حقیقت یک سلسله از برنامه‌های اصیل دینی را بدون استناد به دین پیاده می‌کنند. در مقابل افرادی هستند که پایبند به عقاید مذهبی هستند، ولی بسیاری از دستورات عملی آنرا فراموش کرده‌اند آنها افرادی بی حال، کم شهامت، فاقد استقامت و پشتکار و کاملاً پراکنده و از هم جدا می‌باشند، مسلماً آنها در زندگی مواجه با شکستهای پی در پی می‌شوند. ولی این شکستها نه به خاطر ایمان آنهاست، بلکه به خاطر نقاط ضعفی است که دارند، آنها گاهی چنین تصور می‌کنند که تنها با خواندن نماز و گرفتن روزه باید در همه کارها پیروز شوند در حالیکه دین یک سلسله برنامه‌های عملی برای پیشرفت در زندگی آورده که فراموش کردن آنها با شکست و ناکامی همراه است.

خلاصه هر یک از این دو دسته دارای نقاط ضعف و نقاط قوتی هستند، که هر کدام از اینها آثاری دارد منتهی هنگام محاسبه گاهی این آثار به یکدیگر اشتباه می‌شوند.

مثلاً: فرد بی‌ایمانی دارای جدیت و پشتکار است، چون بی‌ایمان است آرامش دل و جان و هدف عالی انسانی و عواطف پاک مردمی ندارد، اما چون جدی و با استقامت است در زندگی مادی پیش می‌رود.

در اینجا بعضی سؤال می‌کنند که چرا این فرد بی‌ایمان در زندگی پیروز شده؟ مثل اینکه خیال می‌کنند عامل پیروزی چیز دیگری بوده است. این موضوع، هم درباره یک فرد صادق است، و هم می‌توان آنرا در سطح یک کشور نیز پیاده کرد.

ضمناً عوامل سه‌گانه‌ای که برای پیروزی افراد بی‌ایمان و شکست بعضی از افراد با ایمان گفته شد، همه در یک جا صدق نمی‌کند بلکه هر کدام مخصوص به موردی است.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۶۱

آیه ۱۹۸

آیه و ترجمه

۱۹۸ لکن الذین اتقوا ربهم لهم جنت تجری من تحتها الانهار خالدین فیها نزلوا من عند الله و ما عند الله خیر للابرار

۱۹۸ - ولی آنها که (ایمان دارند، و) از پروردگارشان می‌پرهیزند، برای آنها باغهایی از بهشت است، که از زیر درختان آن نهرها جریان دارد، و همیشه در آن خواهند بود، این، نخستین، پذیرایی است که از خداوند به آنها می‌رسد، و آنچه در نزد خدا است، برای نیکان بهتر است.

تفسیر :

در آیه قبل سرانجام افراد بی‌ایمان تشریح شده بود، و در این آیه پایان کار پرهیزکاران بیان می‌گردد، می‌فرماید: «ولی آنها که پرهیزکاری پیشه کردند (و برای رسیدن به سرمایه‌های مادی موازین حق و عدالت را در نظر گرفتند، و یا به خاطر ایمان به خدا از وطنهای خود آواره شدند و در محاصره اجتماعی و اقتصادی قرار گرفتند) در برابر این مشکلات، خداوند باغهایی از بهشت در اختیار آنان می‌گذارد که نهرهای آب از زیر درختان آن جاری است و جاودانه در آن می‌مانند» (لکن الذین اتقوا ربهم لهم

جنات تجری من تحتها الانهار خالدين فيها).

سپس می افزاید: «باغهای بهشت با آن همه مواهب مادی نخستین وسیله پذیرایی از پرهیزکاران می باشد» (نزل من عند الله).

«نزل» در لغت به معنای چیزی است که برای پذیرایی میهمان آماده می شود و بعضی گفته اند نخستین چیزی است که به وسیله آن از مهمان پذیرایی می شود - همانند شربت یا میوه ای است که در آغاز ورود برای میهمان می آورند.

و اما پذیرایی مهمتر و عالتر همان نعمتهای روحانی و معنوی است که در پایان آیه به آن اشاره شده، می فرماید: «آنچه در نزد خداست برای نیکان بهتر است» (و ما عند الله خیر للابرار).

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۶۲

آیه ۱۹۹

آیه و ترجمه

و اءن من اهل الکتب لمن یؤمن بالله و ما اءنزل اءلیکم و ما اءنزل اءلیهم
 خشعین لله لا یشترون بایت الله ثمننا قلیلا ءولئک لهم اجرهم عند ربهم ءن الله
 سریع الحساب ۱۹۹

ترجمه :

۱۹۹ - و از اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا، و آنچه بر شما نازل شده، و آنچه بر خود آنان نازل گردیده، ایمان دارند، در برابر (فرمان) خدا خاضعند، و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی فروشند. پاداش آنها، نزد پروردگارشان است. خداوند، سریع الحساب است. (تمام اعمال نیک آنها را به سرعت حساب می کند، و پاداش می دهد).

شان نزول :

این آیه به گفته بیشتر مفسران درباره مؤمنان اهل کتاب است، آنهایی که دست از تعصیبهای ناروا برداشتند و به صفوف مسلمانان پیوستند، که تعداد قابل ملاحظه ای از مسیحیان و یهود را تشکیل می دادند. ولی به عقیده جمعی از مفسران، آیه در مورد نجاشی زمامدار رعیت پرور حبشه نازل گردید، اگر چه مفهوم آن یک مفهوم وسیع است.

در سال نهم هجری در ماه رجب نجاشی وفات یافت، خبر درگذشت او بایک الهام الهی در همان روز به پیامبر رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله به مسلمانان

فرمود: یکی از برادران شما در خارج از سرزمین حجاز از دنیا رفته است، حاضر شوید تا به پاس خدماتی که در حق مسلمانان کرده است بر او نماز گذاریم، بعضی سؤال کردند او کیست؟ فرمود: نجاشی، آنگاه به اتفاق مسلمانان به قبرستان بقیع آمد، و از دور بر او نماز گذاشت و برای او طلب آمرزش کرد و به یاران خود دستور داد آنها نیز چنین کنند. بعضی از منافقان گفتند محمد صلی الله علیه و آله بر مرد کافری که هرگز او را ندیده است نماز می گذارد، و حال آنکه آئین او را نپذیرفته است، آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۶۳

گفت.

از این روایت استفاده می شود که نجاشی اسلام را بطور کامل پذیرفته بود اگر چه به آن تظاهر نمی کرد.

تفسیر :

اهل کتاب همه یکسان نیستند

سابقاً گفتیم قرآن در بحثهایی که پیرامون مذاهب دیگر می کند، هیچ گاه همه را به یک چشم نمی نگرد و رنگ ضدیت با نژاد و جمعیتی به خود نمی گیرد، بلکه دآوری او بر اساس برنامه های آنهاست، و لذا سهم اقلیتهای باایمان و درستکاری را که در میان یک اکثریت گمراه هستند فراموش نمی کند. در اینجا نیز بعد از سرزنش بسیاری از اهل کتاب به خاطر کتمان آیات خداوند و طغیان و سرکشی آنها، که در آیات سابق به آن اشاره شد، سخن از اقلیتی به میان می آورد که دعوت پیغمبر را اجابت کردند، و برای آنها پنج صفت ممتاز بیان می کند:

۱ - «آنها کسانی هستند که از جان و دل به خدا ایمان می آورند» (و ان من اهل الکتاب لمن یؤمن بالله).

۲ - «آنها به قرآن و آنچه بر شما مسلمانان نازل شده است، ایمان می آورند» (و ما انزل الیکم).

۳ - ایمان آنها به پیامبر اسلام در حقیقت از ایمان واقعی به کتاب آسمانی خودشان و بشاراتی که در آن آمده است سرچشمه می گیرد بنابراین: «آنها به آنچه بر خودشان نازل شده ایمان دارند» (و ما انزل الیهم).

۴ - «آنها در برابر فرمان خدا تسلیم و خاضعند (خاشعین لله).

و همین خضوع آنهاست که انگیزه ایمان واقعی شده و میان آنها و تعصبهای

جاهلانه، جدایی افکنده است.

۵ - «آنها هرگز آیات الهی را به بهای ناچیز نمی فروشند» (لا یشترون بایات الله ثمنا قليلا).

آنها همانند بعضی از دانشمندان یهود که به خاطر حفظ موقعیت خود و ادامه حکومت بر آن جمعیت و گرفتن رشوه‌ها آیات خدا را تحریف می کردند نیستند، بدیهی است نه تنها به بهای ناچیز نمی فروشند، بلکه به هیچ بهایی نخواهند فروخت، و اگر تنها اشاره به بهای ناچیز شده، منظور این است که همانند آن دسته از دانشمندان دنیاپرست دون همت نیستند.

به علاوه اصولا در برابر آیات خدا انسان هر چیز دریافت کند بی ارزش است. اینها با داشتن آن برنامه روشن و زنده و صفات عالی انسانی «پاداش خود را در نزد پروردگار خواهند داشت» (اولئک لهم اجرهم عند ربهم).

تعبیر به «ربهم» (پروردگارشان) اشاره به نهایت لطف و مرحمت پروردگار نسبت به آنها است، و نیز اشاره به این است که خداوند آنها را در مسیر هدایت پرورش می دهد و یاری می کند.

در پایان آیه می فرماید: «خداوند با سرعت حساب بندگان را رسیدگی می کند» (ان الله سریع الحساب).

بنابراین نه نیکوکاران برای دریافت پاداش خود گرفتار مشکلی می شوند، و نه مجازات بدکاران به تأخیر می افتد. این جمله، هم بشارتی است به نیکوکاران و هم تهدیدی است برای بدکاران.

آیه ۲۰۰

آیه و ترجمه

۲۰۰ یا ایها الذین آمنوا صبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون

ترجمه :

۲۰۰ - ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!

تفسیر :

این آیه آخرین آیه سوره آل عمران، و محتوی یک برنامه جامع چهار ماده‌ای برای عموم مسلمین است می‌باشد.

۱ - نخست روی سخن را به همه مؤمنان کرده و به اولین ماده این برنامه اشاره می‌کند و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید در برابر حوادث ایستادگی کنید» (یا ایها الذین آمنوا اصبروا).

صبر و استقامت در برابر مشکلات و هوسها و حوادث، در حقیقت ریشه اصلی هر گونه پیروزی مادی و معنوی را تشکیل می‌دهد، و هر چه درباره نقش و اهمیت آن در پیشرفتهای فردی و اجتماعی گفته شود کم است، این همان چیزی است که علی (علیه السلام) در کلمات قصارش آنرا به منزله سر در برابر بدن معرفی کرده: «ان الصبر من الایمان کالراءس من الجسد».

۲ - در مرحله دوم قرآن به افراد با ایمان دستور به استقامت در برابر دشمن می‌دهد و می‌فرماید: «و در برابر دشمنان نیز استقامت به خرج دهید» (و صابروا).

«صابروا» از «مصابره» (از باب مفاعله) به معنی صبر و استقامت در برابر

صبر

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۶۶

و استقامت دیگران است. بنابراین قرآن نخست به افراد با ایمان دستور استقامت می‌دهد (که هر گونه جهاد با نفس و مشکلات زندگی را شامل می‌شود) و در مرحله دوم دستور به استقامت در برابر دشمن می‌دهد، و این خود می‌رساند که تا ملتی در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف درونی پیروز نشود، پیروزی او بر دشمن ممکن نیست و بیشتر شکستهای ما در برابر دشمنان بخاطر شکست است که در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف خود دامنگیر ما شده است.

ضمناً از دستور «صابروا» استفاده می‌شود که هر قدر دشمن بر استقامت خود بیافزاید ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزاییم.

۳ - در جمله بعد به مسلمانان دستور آماده باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی می‌دهد و می‌فرماید: «از مرزهای خود، مراقبت به عمل آورید» (و رابطوا).

این دستور به خاطر آن است که مسلمانان هرگز گرفتار حملات غافلگیرانه دشمن نشوند، و نیز به آنها دستور آماده باش و مراقبت همیشگی در برابر حملات شیطان و هوسهای سرکش می‌دهد، تا غافلگیر نگردند، و لذا

در بعضی از روایات از علی علیه السلام این جمله به مواظبت و انتظار نمازهایکی بعد از دیگری تفسیر شده است، زیرا کسی که با عبادت مستمر و پی در پی دل و جان خود را بیدار می‌دارد همچون سربازی است که در برابر دشمن حالت آماده باش به خود گرفته است.

جمله «رابطوا» از ماده «رباط» گرفته شده، و آن در اصل به معنی بستن چیزی در مکانی است (مانند بستن اسب در یک محل) و به همین جهت به کاروانسرا «رباط» می‌گویند و «ربط قلب» به معنی آرامش دل و سکون خاطر است، گویا به محلی بسته شده است و «مربطه» به معنی مراقبت از مرزها آمده است، زیرا سربازان و مرکبها و وسایل جنگی را در آن محل نگاهداری می‌کنند. خلاصه اینکه «مربطه» معنی وسیعی دارد که هر گونه آمادگی برای دفاع از

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۶۷

خود و جامعه اسلامی را شامل می‌شود. در فقه اسلامی نیز در باب جهاد بحثی تحت عنوان «مربطه» یعنی آمادگی برای حفظ مرزها در برابر هجوم احتمالی دشمن دیده می‌شود که احکام خاصی برای آن بیان شده است. (برای کسب اطلاع بیشتر به کتب فقهی مراجعه شود).

در بعضی از روایات به علماء و دانشمندان نیز «مربط» گفته شده است امام صادق (علیه السلام) طبق روایتی می‌فرماید: «علماء شیعتنا مرابطون فی الثغر الذی یلی ابلیس و عفاریته و یمنعون عن الخروج علی ضعفاء شیعتنا و عن ان یتسلط علیهم ابلیس، دانشمندان پیروان ما همانند مرزدارانی هستند که در برابر لشکر ابلیس صف کشیده‌اند و از حمله کردن آنها به افرادی که قدرت دفاع از خود ندارند جلوگیری می‌کنند». در ذیل این حدیث مقام و موقعیت آنها برتر و بالاتر از افسران و مرزدارانی که در برابر هجوم دشمنان اسلام پیکار می‌کنند شمرده شده است و این به خاطر آن است که آنها نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلامند در حالی که اینها حافظ مرزهای جغرافیایی هستند، مسلماً ملتی که مرزهای عقیده‌ای و فرهنگی او، مورد حملات دشمن قرار گیرد و نتواند به خوبی از آن دفاع کند در مدت کوتاهی از نظر سیاسی و نظامی نیز شکست خواهد خورد.

۴ - بالاخره آخرین دستور که همچون چتری بر همه دستورات سابق سایه می‌افکند دستور به پرهیزکاری است (و اتقوا الله).
«استقامت» و «مصابره» و «مرابطه» باید آمیخته با تقوی و پرهیزکاری باشد و از هر گونه خودخواهی و ریاکاری و اغراض شخصی به دور گردد.
در پایان آیه می‌فرماید: «شما در سایه به کار بستن این چهار دستور، می‌توانید

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۶۸

رستگار شوید و با تخلف از آنها راهی به سوی رستگاری نخواهید داشت»
(لعلکم تفلحون).

سؤال:

گاهی سؤال می‌شود چرا در قرآن جمله‌هایی با کلمه «لعل» شروع شده‌است مانند جمله «لعلکم تفلحون، شاید رستگار شوید» و «لعلکم تتقون، شاید پرهیزکار شوید» و «لعلکم ترحمون، شاید مشمول رحمت شوید» در حالی که کلمه «لعل» نوعی تردید را می‌رساند که از مقام خداوند دانای به همه چیز، دور است، این جمله اتفاقاً دست‌آویزی برای پاره‌ای از دشمنان اسلام شده و می‌گویند اسلام به کسی وعده نجات قطعی نمی‌دهد و وعده آن آمیخته با تردید است زیرا بسیاری از این وعده‌ها با کلمه «لعل» شروع شده است.

پاسخ:

اتفاقاً این تعبیر یکی از نشانه‌های عظمت و واقع بینی و واقع گویی قرآن مجید است زیرا قرآن این کلمه را در جایی به کار می‌برد که گرفتن نتیجه احتیاج به شرایطی دارد که به وسیله کلمه «لعل» اشاره اجمالی به آن شرایط شده است مثلاً سکوت کردن به هنگام شنیدن آیات قرآن و گوش فرادادن به مضمون آیات به تنهایی کافی نیست که انسان مشمول رحمت الهی شود بلکه علاوه بر آن، درک و فهم آیات و به کار بستن آنها نیز لازم است و لذا قرآن می‌گوید: «و اذا قرء القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون، هنگامی که قرآن خوانده می‌شود گوش فرا دهید و خاموش باشید شاید مشمول رحمت شوید».

اگر قرآن می‌گفت حتماً مشمول رحمت خواهید شد دور از واقع بینی بود زیرا همانطور که گفتیم این موضوع شرایط دیگری هم دارد ولی هنگامی

که می‌گوید «(شاید)» سهم سایر شرایط محفوظ مانده است، ولی عدم توجه به این حقیقت

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۶۹

موجب خرده گیری بر این آیات شده و حتی بعضی از دانشمندان ما نیز معتقد شده‌اند که «(لعل)» در این گونه موارد معنی «(شاید)» نمی‌دهد در حالی که این سخن نیز یک نوع خلاف ظاهر بدون دلیل است (دقت کنید). در آیه مورد بحث با اینکه اشاره به چهار ماده مهم از عالیت‌ترین دستوره‌ای اسلامی شده باز برای اینکه از بقیه برنامه‌های سازنده اسلامی غفلت نشود کلمه «(لعل)» را به کار برده است.

به هر حال اگر مسلمانان امروز، آیه فوق را به عنوان یک شعار اسلامی در برنامه زندگی خود پیاده کنند، بسیاری از مشکلات را که اکنون با آن مواجه هستند حل خواهند نمود، امروز ضرباتی بر پیکر اسلام و مسلمین بر اثر زیرپا گذاشتن و یا فراموش کردن همه یا بعضی از این دستوره‌های چهارگانه وارد می‌شود که بسیار دردناک است.

اگر روح استقامت و پایداری در مسلمانان زنده شود، اگر در برابر افزایش تلاش و کوشش دشمنان، مسلمانان تلاش و کوشش بیشتری از خود نشان دهند، و اگر طبق فرمان رابطه مراقبت کافی از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی و عقیده‌ای بنمایند و همواره در برابر نقشه‌های دشمنان، حالت آماده باش داشته باشند و علاوه بر همه اینها با تقوای فردی و اجتماعی، گناه و فساد را از جامعه خود دور کنند پیروزی آنها تضمین خواهد شد.

بارالها! به همه ما توفیق مرحمت کن که این دستوره‌های حیات بخش کتاب آسمانیت را در زندگی به کار بریم و ما را مشمول رحمت و الطاف بی‌انتهای خود گردان!

بعد

افزیت

قبل